

آزادگی

اسدالله اسدی، دیپلمات به گروگان گرفته شده ایران در بلژیک، پس از ۱۷۸۹ روز اسارت، در سایه دیپلماسی عزتمندانه آزاد شد و به وطن بازگشت - جراید



همه گیری

از: کمیته مرکزی بگیربگیر اروپا
به: مسؤول بگیربگیر س.م.خ

با سلام
در پی بازگشت اسدالله اسدی به ایران و فشار رئیس سازمان متبوعان خانم هر که ما را کچل کرد، بخشنامه‌ای صادر کرده‌ایم تا افراد را مطابق با آن دستگیر کنید.

بخشنامه ۱

بند ۱. براساس اظهارات فردی ذی‌نفع و بی‌وجود، کسانی که کیف بغلی خود را به‌صورت آریب روی شانه خود انداخته‌اند، از خودشان هستند.

آنها را بگیرید.

تصوره ۱. دقت کنید. آریب یعنی کج.

بند ۲. کلیه افرادی که داخل چمدان خود دارند.

تصوره ۱. هنوز بابت چی داشتن تصمیم قطعی نگرفته‌ایم.

از: مسؤول بگیربگیر س.م.خ

به: کمیته مرکزی بگیربگیر اروپا

با سلام متقابل

اقدامات لازم مبذول و محموله اول ارسال شد.

پن: پورسانت ما فراموش نشود.

از: کمیته مرکزی بگیربگیر اروپا

به: مسؤول بگیربگیر س.م.خ

با دوباره سلام و چی بگم آخه؟

بله! این شهروندان چشم رنگی که چشم کف پای‌شان باشد را چرا گرفتی؟

پن: تو روت. ورشکست شدیم آنقدر به اینها غذا دادیم. ندیدیدیدها انگار

از خدای‌شان بوده که به سقف بالاسر و چندوعده غذا برسند. پورسانت هم می‌خواهی؟

محمدرضا رضایی

کماندوی کی بودی تو؟

اخیراً یکی از فرماندهان طالبان گفته اگر اجازه‌اش را داشته باشد، می‌تواند تهران را فتح کند. در همین راستا یکی از بهترین مأمورین خود را مخفیانه به اتاق عملیات فتح تهران که توسط همین فرمانده طالبانی اداره می‌شد فرستادیم تا از جزئیات نقشه اطلاعات جمع کند. البته بعداً فهمیدیم که الکی بهترین مأمور خود را فرستادیم؛ چون در اتاق عملیات کاملاً باز بود و هیچ‌کس هم کاری به بقیه نداشت. در واقع اگر کارمند با یگانگی خود را هم می‌فرستادیم می‌توانست به راحتی نفوذ کند. به هر حال بخشی از اطلاعات به‌دست آمده را فاش می‌گوییم و از گفته خود دلشادیم.

فرمانده طالبانی: به زودی ما تهران رو فتح می‌کنیم!
نیروهای طالبان به شادی و هلهله می‌پردازند و تیر هوایی شلیک می‌کنند.

یکی از نیروهای طالبان: چطور؟
فرمانده طالبانی یک تیر به مژزش شلیک می‌کند تا وی دوباره از این سؤال‌های احقمانه نپرسد.

نیروهای طالبان بعد از یک مکث کوتاه دوباره به شادی پرداخته و هلهله می‌کنند.

یکی دیگر از نیروهای طالبان: ولی حالا بدون شوخی، چطور؟
فرمانده طالبانی نفر دوم را هم می‌کشد تا بفهمد هر سؤالی را کی و کجا باید پرسید؟

نیروهای طالبان شادی می‌کنند ولی نه مثل قبل؛ این دفعه دیگر هلهله و شلیک هوایی در کار نیست.

نفر سوم از نیروهای طالبان: ملاجان فیلم‌مون کردی؟ خب بگو چطور دیگه؟
فرمانده طالبان که می‌بیند همه ساکت شده‌اند و به او نگاه می‌کنند

بالآخره جواب می‌دهد. البته قبلش همین نفر سوم را هم می‌ترکاند که درس عبرتی شود.

فرمانده طالبان: با هلیکوپتر می‌ریم تهران رو فتح می‌کنیم.
یکی از نیروهای پرروی طالبان: ما هلیکوپتر نداریم داداش!

فرمانده طالبان: بچه‌ها همین بچه پررو رو یکی بکشه، من تیرهام تموم شد.

نیروهای طالبان می‌گویند به دلیل شلیک هوایی، تیر آنها هم تمام شده.

فرمانده طالبانی: پس وقتی فشنگ جدید رسید، اولین کار اینه که این یارو رو خلاص کنیم؛ یادم بنذازید! حالا هلیکوپتر نداریم، با همین ماشین‌های خودمون از مرز می‌ریم.

همان نیروی پررو که دیگر آب از سرش گذشته: عموجان با ماشین بریم، ترسیده به مرز با دوشکا می‌زنن، خاکسترون هم نمی‌مونه!

فرمانده طالبانی: آقا اصلاً هر کی خودش تنهایی بره، اونجا که رسیدیم یک جا قرار می‌ذاریم به هم ملحق می‌شیم.

نیروی پرروی طالبانی: دایی‌جان همین الان خبر اومد بر کنارت کردن که دیگه از این حرف‌ها زنی و موجودیت ما رو به فنا ندی. در ضمن دستور رسیده خودت با دم‌دست‌ترین اسلحه‌های که داری کلک خودت رو بکنی.

طبق گزارشات واصله فرمانده طالبانی قبل از هاراگیری (همان اجرای دستور خودنابودی) حرف خاصی نزنه.

چالش مصرع‌م سگ‌م

گروگان را نمود آزاد ایران
ز دست گرگ‌های نخس و نادان
بنازم همت این دولت خوب
کنار ملتش مانده است این‌سان

بنازم همت این دولت خوب
پس از کابینه پیران مغلوب
بیاموزید رسم دیپلماسی
زبان گفت‌وگو فیهامان مرعوب

بیاموزید رسم دیپلماسی
شود اینگونه یک مرد سیاسی
نقهمد غرب غیر از این زبانی
غلط کرد آنکه می‌کرد التماسی

نقهمد غرب غیر از این زبانی
ندارد دشمن از غیرت نشانی
خوشا ایران و فصل اقتدارش
خوشا بایند به وقت بزچرانی

خوشا ایران و فصل اقتدارش
توانش، پیشرفتش، افتخارش
نگه دار از نگاه بدسرشتان
خداوندا به حق هشت و چارش

نگه دار از نگاه بدسرشتان
خداوندا الف تا یای ایران
عطا کن ارزنی مخ چنجران را
مصی و مریم و ربع رضاخان

عطا کن ارزنی مخ چنجران را
و یای پیران آلبانی مکان را
خوراک مار و موران کن خدایا
ترامپ و بایند و چارلز جوان را

خوراک مار و موران کن خدایا
و مسخ مثل حیوان کن خدایا
هر آن قومی که با ایران درافتاد
به کل قربان ایران کن خدایا

هر آن قومی که با ایران در افتاد
تمام قوم و خویشش گشت معتاد
چنان خوار و ذلیلش کرد ایزد
برایش بدترین احوال رخ داد

دهانه شیمز

سپیده بابایی دارنده مدال نقره کشتی آلیش قهرمانی آسیا در ازبکستان، مدال خود را تقدیم به روح مطهر شهید حسن طهرانی مقدم کرد. پیرو این خبر مسیح علی‌نژاد گفت: چرا نمی‌گذاری دخترهای ما ورزش کنند و قهرمان شوند؟

موبایل یک مقام هندی هنگام سلفی گرفتن داخل سد افتاد و او برای پیدا کردن موبایلش آب سد را خالی کرد. انجمن گاوهای هندی با اجماع بالا، وی را به‌عنوان جدیدترین الهه، جهت پرستش اعلام کردند.

یک فرمانده طالبان با تهدید ایران گفت: «اجازه دهند تهران را فتح می‌کنیم، با صبر ما بازی نکنید.» یک سرباز صفر ایران در پاسخ او گفت: «بیا پایین بچه، سمرن درد گرفت.»

ولودیمیر زلنسکی، در پیام ویدئویی خود، ابتدا گفت: «روسیه در اوکراین چیزی به دست نخواهد آورد و همه چیز را از دست خواهد داد.» سپس بلافاصله شماره شبای خود را جهت واریز مستمری ماهانه به خزانه‌داری آمریکا ارسال کرد.



کیف‌ها چیست که فرستادی؟ کیف می‌خواستیم برای کجای‌مان؟
کیف را بازداشت می‌کنند با آدمش را!
پن: آشپز مزبور کوسه بود و ریش نداشت. کله هم کچل، عین چی؟ آینه آینه.

از: مسؤول بگیربگیر س.م.خ

به: کمیته مرکزی بگیربگیر اروپا

با سلام و دارم می‌میرم از غم

خب، خودتان فقط عکس کیف‌ها را فرستاده بودید، نه آدم‌ها را!
در پایان به علت بروز پاره‌ای از مشکلات، تقاضای مرخصی استعلاجی دارم.

پن: مدارک مورد نیاز جهت صحت‌سنجی وضعیت مزاجی ارسال شد.

از: مسؤول بگیربگیر س.م.خ

به: کمیته مرکزی بگیربگیر اروپا

با سلام و خیرت را برام بیاورند.

اصلاً شما به خیابان بروید، یک کلام بگویید: «سلام» هر کسی برگشت تا جواب‌تان را بدهد، بدانید ایرانی است. کت بسته بگیرید و بیاورید. توضیحات اضافی برای جناب‌تان اطاله کلام است.



فاطمه بحرکافعی

مجلس خاک بر سر قبله‌عالم

خدمت برادر عاقل‌مان، میرزا حبیب علف‌چی‌باشی، عرض سلام داریم. تلواسه‌ای بس عظیم بر جان‌مان افتاده، دست‌مان به لرز لرز است، کجواکج می‌نویسیم، معذور داریم. به فریادمان برسید که دیشب خوابی شوم دیدیم و اگر فی‌الحال که این مرقومه را می‌خوانید، با کلوخ نمک مطبخ همایونی کله خود را به دو نیم نکرده باشیم، حکما بوی شفتالوی تازه ما را نگه داشته است. استعفا داریم مرقومه را بعد از خواندن بسوزانید تا برادر بخت‌برگشته‌تان در مقام شفتالوچی‌باشی مایه فرح میرغضب نگرند. آخر آرزوی هم‌زدن خورش بندگان همایون به دل‌مان است.

برادر جان! به خواب دیدیم که روزی شفتالوهای همایونی را دستمال می‌کشیدیم که یک‌بار همه‌شان زرتی بوسیدند. هنوز حالی‌مان نشده بود که چه تیر غیبی به کله کچل ما خورده است که الاغی آمده، چنان بر ما جفتک انداخت که از مطبخ همایونی به بیرون پرتاب شده، افتادیم توی یک تاکجا‌آبادی که هم‌ماش سباهی بود. الاغ نمک‌به‌حرام هم آمده، جفتک آهسته‌ای انداخته، ما را برگرداند سمت شیء عجاب

که آدمیزادی به‌قاعده یک انگشت از داخلش با ما تکلم می‌نمود. چنان قلب‌مان به تپ‌تپ افتاد که خیال‌مان رفت عن قرب است سقط شویم. مبلغی عجزولایه کردیم تا ول‌مان کنند برویم پی شفتالوهای مطبخ همایون، افاقه نکرد. ناچار گوش گرفتیم که چه بلغور می‌کنند، دیدیم نقل ایام ماضیه می‌گوید به خیال خود، لیکن مستقبل ماست. برادر! خاک به دهان‌مان بیاید، می‌گفت که مردم بعد موت قبله‌عالم، از زیادتای اختیارات ظل‌الله، تکدر خاطر یافته، افزاضه درمی‌کنند که شاه باید مشروط شاهی کند! مضافاً مبلغی هم قانون هوس کرده، بساط وضع قانون به‌هم زده، امور ممالک محروسه را به شور می‌نشینند به اسم «مجلس شورای ملی» یا اللعجب!

چه زرت و پرت‌ها! رگ عبرت‌مان ورقلمبید و خواستیم آن فسقل‌مرد لاطال‌گو را با دست‌مان بگیریم و بدهیم آب‌گوشش را برای ببری‌خان بار بگذارند که با جفتک همان الاغ مذکور از خواب پریدیم. آفتاب که زد، عیال را فرستادیم پی بیگم‌باجی تا بگوید خواب‌مان تعبیر چه دارد بلکه حال به حال‌دان‌مان بیاید. نگفت عجزوزه خرفت! به‌جایش چهارتا هم گذاشت رویش و گفت که نوبه اول آن مجلس قانون‌گذاری کذایی در حضور خود حضرت اجل، نور چشم قبله‌عالم خودمان، مظفرالدین میرزا که در آن وقت دیگر شاهنشاه هستند، پا می‌گیرد با عده‌ای مالک و تاجر و شاهزاده و عالم دین. برادر! اگر حرف این بیگم‌باجی راست باشد و آن مجلس شورای ملی پا بگیرد، خاک بر سر فرزندان قبله‌عالم شده است که! اگر آن مجلس مقرر کند که فی‌المثل شاه نباید شفتالوچی‌باشی داشته باشد، چه؟!



لیله جوادانی



فریبا رئیسی

مهمون ویژه امام رضایم

مو شینیدم رندی گفته بلایم
تو نقشه او گنبد طلایم
پژ هم دده گفته که باصفایم
«بچه محله امام رضایم»

ای شاعری که ماجراش گفته
گمون کنم خیلی پارتیش کلفته
ده دفته تو شعرش گفته برایم
«بچه محله امام رضایم»

تو بچه‌محل‌شانی دداش
ای بذره که ای همه ریخت و پاش
موتیم هوادار همی آقایم
مهمون ویژه امام رضایم

گفته بودی تو نخ اون گنبدی؟
کمت نباشه چیزی از دست ندی؟!
مو به رواق امامش رضایم
مهمون ویژه امام رضایم

چند دُقه از غذاهاشان دلم خواص
گفتم آقا تورو به حضرت عباس
دست خالی نفرس مویوم گدایم
مهمون ویژه امام رضایم

مهمون سرا نشد ولی چندتایی
نمک رسید تبرکی از جایی
مو که با تون و نمک آشنایم
مهمون ویژه امام رضایم

مِشّه وقتی که مشغول ثنایم
لوستر بیفته گوشه عیایم
برداژم آباد بشه دو سرایم
مهمون ویژه امام رضایم

اینا که گفتم شوخیه با شاعر
منم مسافرم، یه فرد زائر
تابلوته بی‌سواده لهجه‌هایم
مهمان ویژه امام رضایم

بنده دود

روز جهانی بدون دخانیات

«دود» شیرین شد و تو در ره او فرهادی
بنده دودی و از هر دو جهان آزادی

توی توتون سرطان‌های زیادی است عزیز
گر جنجبی به خودت، در دو جهان بر بادی

چون خدا داده، نباید بدهی بر بادش
کل جسم است امانت، چو چک صیادی

توی ماشین و خیابان و صف نانوائی
هی کشیدی و مفصل به همه غم دادی

نصف آلودگی شهر ز سیگار تو است
هی نزن موشک دودی، تو مگر پهبادی؟!

آب قلیان به خدا دافع سم‌هایش نیست!
ای که در گوگل و توجیه به پا استادی!



بازار کساد

ای کاش اجازه جهادم بدهند
رونق به تجارت کساد بدهند
در حال خماری غلطی کردم، کاش
عقوم بنمایند و موادم بدهند

سنگ روی یخ هفته

وزیر خارجه بلژیک به درخواست مریم رجوی سرکرده گروهک منافقین برای جلوگیری از آزادی اسدالله اسدی دیپلمات ایرانی پاسخ منفی داد.
رجوی جهت کاهش درد این سرخوردگی، به بازار رفته و برای خود یک روسری قرمز دیگر خرید و سپس در سایت همسرریایی ثبت نام کرد.

هنوز کجاشو دیدین هفته

گولپال پاور: نیروی مسلح ایران از «قدرت‌های برتر نظامی جهان» است.
وی خطاب به همسایگان ایران افزود: با دم شیر بازی نکنین نادانان.

حبیب پرکن هفته

ولودیمیر زلنسکی، در پیام ویدئویی خود، ابتدا گفت: «روسیه در اوکراین چیزی به دست نخواهد آورد و همه چیز را از دست خواهد داد.» سپس بلافاصله شماره شبای خود را جهت واریز مستمری ماهانه به خزانه‌داری آمریکا ارسال کرد.

قیمز هفته

یک فرمانده طالبان با تهدید ایران گفت: «اجازه دهند تهران را فتح می‌کنیم، با صبر ما بازی نکنید.» یک سرباز صفر ایران در پاسخ او گفت: «بیا پایین بچه، سمرن درد گرفت.»

بروزترین آهه هفته

سپیده بابایی دارنده مدال نقره کشتی آلیش قهرمانی آسیا در ازبکستان، مدال خود را تقدیم به روح مطهر شهید حسن طهرانی مقدم کرد. پیرو این خبر مسیح علی‌نژاد گفت: چرا نمی‌گذاری دخترهای ما ورزش کنند و قهرمان شوند؟

چشم مصی در آن هفته

موبایل یک مقام هندی هنگام سلفی گرفتن داخل سد افتاد و او برای پیدا کردن موبایلش آب سد را خالی کرد. انجمن گاوهای هندی با اجماع بالا، وی را به‌عنوان جدیدترین الهه، جهت پرستش اعلام کردند.